

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال هفدهم / دوره جدید / شماره ۵۷ / بهار و تابستان ۱۴۰۱
صص ۱۵۵-۱۷۱ (مقاله علمی - پژوهشی)

واکاوی سبک زندگی در چهار قرن نخست هجری

(مطالعه موردی تحلیل روایات مکان نظافت در منابع روایی)

• معصومه ریعان

استادیار گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا

m.rayaan@basu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۸

چکیده

واکنش مسلمانان در دوره‌های پس از فتوحات اسلامی به پدیده‌های وارداتی مانند نظافت، نمونه‌ای از تغییرات سبک زندگی در چهار قرن نخست هجری است که در این پژوهش، از رهگذر روایات اسلامی و گزارش‌های تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است. توجه گسترده به موضوع نظافت از جمله حمام در آن دوران، نشان‌دهنده آن است که برخی مفاهیم ناظر به سبک زندگی در چهار قرن نخست، در متن و زمینه فرهنگ مصرف گسترش پیدا کرده و باعث ایجاد تنوع در فعالیت‌های عمومی مسلمانان گردیده است؛ به‌گونه‌ای که با دگرگونی ذائقه‌ها و ارزش‌های شخصی، الگوهای جدیدی در زندگی افراد پدید آورده است. از نظر متشرعان و بزرگان دینی، پدایش شیوه‌های متمایز در موضوع نظافت بعد از فتوحات اسلامی که با طبایع فردی و هوس‌های مصرفی طبقات متوسط مسلمانان سازگار شده بود، به فروریزی نظام حیا و عفت عمومی منجر می‌گردید و فرهنگ وارداتی حمام‌های عمومی، باعث تنزل معیارها و سطوح فرهنگی والای اسلامی می‌شد و نسل‌های جدید را به بی‌مبالاتی فزاینده‌ای معطوف می‌نمود؛ از این رو ترس و نگرانی از امکانات فرهنگی بیگانه که به جوامع سنتی مسلمانان وارد شده بود آنان را به مقاومت برمی‌انگیخت؛ با این حال، امکان گفتگو در استفاده از این تسهیلات، موافقانی در این زمینه پدید آورد که به زندگی غنی‌تر و پیچیده‌تر می‌اندیشیدند؛ چنان‌که برای نمونه متن روایات حمام نشان از آن دارد که تغییرات سبک زندگی در مواجهه با پدیده نوین حمام‌های عمومی، در چهار قرن نخست به تدریج بهبود یافته و احکام سخت‌گیرانه نخستین را جز در ارتباط با زنان ملغی کرده است.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، قرون نخستین اسلامی، فتوحات اسلامی، نظافت.





مقدمه

تغییرات به وجود آمده در زندگی مسلمانان بعد از دوره فتوحات اسلامی و ورود اعراب به جوامعی مانند ایران، شام و مصر که دارای پیشینه تمدنی بودند، شرایط نوینی در سبک زندگی مسلمانان ایجاد کرد و آنان را با پدیده‌هایی ویژه مواجه ساخت. توسعه اقتصادی فزاینده بعد از عصر فتوحات و تغییرات ایجادشده در ساختارهای اجتماعی از جمله افول ساختار طبقاتی سنتی و بروز ناهمگونی در گروه‌های نوپدید، نمونه‌ای از تحولاتی بود که ارزش‌ها و سبک زندگی اعراب مسلمان را تحت تاثیر قرار می‌داد. طبقات گوناگون جامعه به‌ویژه طبقه متوسط با استقبال از این تغییرات فرهنگی، موجد هویتی نامتمرکز در بطن جامعه اسلامی شدند. آنان با پذیرش کالاهای فرهنگی حاصل از فتوحات، الگوهای سبک زندگی را تغییر داده و توصیفات پیشینیان از مفاهیم فرهنگی را در معرض تردید قرار دادند. اولین دستاورد این دگرگونی‌ها، رشد طبقات اجتماعی شهری بود که جایگزین ساختار قبیل‌های شد و گرچه این طبقات اجتماعی نوین گاه به سبک زندگی اشرافی^۱ نیز تمایل نشان می‌دادند، ولی تمایل به برخورداری از یافته‌های معاصرانه بشری در طبقات عمومی مردم که اصولاً طبقه متوسط نامیده می‌شوند، جلوه بیشتری داشت.

دگرگونی‌های اجتماعی حاصل از فتوحات، آشکارا به چند تحول موازی وابسته بود؛ از جمله رشد طبقات اجتماعی شهری، گسترش بازار مصرف و بی‌اعتنایی به باورهای عرف عربی-اسلامی که پیش از فتوحات رایج بود. این دگرگونی‌ها منجر به شیوه‌های زیستی جدید و گسترش طرز تلقی‌هایی شد که برای سبک‌های نوین زندگی ارزش مثبت قائل بودند و نشان‌گر رشد و

گسترش تخیل حریصی بود که از ابعاد اصلی فرهنگ مصرف در عصر فتوحات به حساب می‌آمد. در چنین فضایی گسترش اماکن و شیوه‌های تجملاتی زندگی، افراد را به مقتضای موقعیت‌های نوین، به رعایت آداب و اداری می‌کرد که قبلاً به اقتضای ضرورت آن را اجرا می‌کردند. یکی از این وجوه تجملاتی زندگی که برخی آن را مناسب حال خود دانسته بودند، انجام نظافت‌های شخصی یعنی استفاده از دستشویی و حمام بود. این دو مکان نظافت سیر روبه‌رشدی داشته‌اند و گزارش‌های موجود درباره آنها از سبک زندگی متفاوت در دو دوره زمانی گزارش می‌کنند. استفاده از دستشویی‌های عمومی و استحمام در خانه‌ها در ابتدای قرن اول، به دستشویی‌های خصوصی و حمام‌های عمومی در سال‌های بعد ارتقاء یافت. فرهنگ استحمام، با گسترش فتوحات در اواسط قرن اول، از حریم شخصی فاصله گرفت و به‌صورت فزاینده‌ای عمومی شد و حتی فرایند تجاری شدن این مکان را به‌سرعت به‌وجود آورد و ساخت‌وساز حمام‌ها مورد توجه مسلمانان قرار گرفت تا آن‌جا که منطق این مصرف، تمایل همه‌جانبه یافت و بلکه بازار مصرف جدیدی برای آنان گردید؛ اما محدودیت‌های سنتی و الزامات شرعی همچنان از موانع جدی این بازار مصرف به شمار می‌رفت.

شناسایی ابعادی از سبک زندگی در گذشته تاریخی مسلمانان محل بحث این مقاله است که در نظر دارد آن را در زندگی مردمان قرن اول تا چهارم هجری و آشنایی ایشان با شیوه‌های متفاوت زندگی در مناطق غیر عربی جستجو کند. مسلمانان چهار قرن نخستین، با پدیده‌های نوظهوری مواجه بودند که در زندگی مرسوم آنان سابقه نداشت و بعد از آشنایی با چنین پدیده‌ای از خود واکنش‌هایی نشان دادند که برخی از آنان به صورت ویژه در روایات اسلامی مربوط به حمام منعکس شده است. حمام (گرمابه) یکی از مکان‌های نظافت بود که مسلمانان آن را برای اجرای مراسم آیینی غسل‌های شرعی برگزیدند؛ اما علی‌رغم

۱. سبک زندگی اشرافی، شیوه زندگی مبتنی بر ارزش‌های فردی یا گروهی دنیاگراست که کنش‌ها و عادت‌های رفتاری مانند فزون‌خواهی، برتری‌جویی و امتیازطلبی موجب تمایز این نوع سبک زندگی از دیگر سبک‌ها می‌شود («سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی(ع) و پیامدهای تمدنی آن»، ص ۲۴۵).



بهبوده رویکرد سبک زندگی در قرون اولیه اسلامی در مواجهه با تغییرات اجتماعی حاصل از فتوحات و ورود عناصر جدید فرهنگی به جامعه نوپای اسلامی، پژوهش مستقلی یافت نشد. دو مقاله با عنوان «تبیین علل تفاوت سبک زندگی اسلامی با سایر سبک‌های زندگی از دیدگاه قرآن کریم» از امید رسا و محمد فرهانی در سال ۱۳۹۹ و مقاله «سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی(ع) و پیامدهای تمدنی آن» از جمیله شکری و ثریا قطبی در سال ۱۴۰۰ در مجله مطالعات بنیادین تمدن اسلامی منتشر شده که هر دو مطالعه‌ای نظری و بنیادین بوده و مصداقی از سبک زندگی دوران نخست اسلامی نمی‌باشند. همچنین در مورد تحلیل و واکاوی روایات حمام نیز جز یک مورد با عنوان «جعل احادیث حمام در خدمت فتح شام» که در ضمن کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر» امیر ترکاشوند نگارش یافته و به صورت اینترنتی نشر گردیده است، پژوهش دیگری مشاهده نگردید. ترکاشوند در این نوشتار کوتاه با طرح ساختگی بودن روایات حمام، جعل آن‌ها را در دو مرحله یا توسط دو گروه متمایز دانسته است. در مرحله نخست بعضی از جا‌علان در ساخته خود «از مردان خواسته‌اند که اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارند، اولاً خودشان به حمام نروند مگر با لُنگ و ثانیاً به زنان اجازه ندهند حتی با لُنگ به حمام روند». وی می‌نویسد اما وقتی این گروه جاعل با این پرسش روبرو شدند که مگر در زمان رسول‌خدا حمام وجود داشته که تکلیفی درباره ورود یا نحوه استفاده از آن پدید آید، به جعل جدیدی در این باره متوسل شده و اعلام کردند که «پیامبر در زمان حیاتش مژده داده در آینده نزدیک، سرزمین شام و غیر شام به دست شما فتح خواهد شد و در آن جا با مکان‌ها و خانه‌هایی مواجه می‌شوید که به آن حمام می‌گویند؛ ولی نباید مردان وارد آن شوند مگر این‌که لُنگی بپوشند و زنان را نیز از ورود به آن منع کنید مگر بیماران‌شان را». ترکاشوند معتقد است جاعلان

اقبال عامه مردم، برخی بزرگان دین آن را پدیده‌ای وارداتی دانسته و به آن در طی یک روند بسیار طولانی تن دادند. زیرا آنان معتقد بودند «مسلمانی و سبک و سیاق زندگی اسلامی، باید با گوهر ایمان ممزوج و آراسته شود تا فرد مسلمان به سرمنزل سعادت و کمال رهنمون شود»^۲؛ اما این پدیده مدرن، آنان را از گوهر ایمان خارج نموده و به سمت بی‌مبالاتی هدایت می‌کند.

این پژوهش در چارچوب روش تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر منابع کتاب‌خانه‌ای، به سیر تاریخی تغییرات سبک زندگی در چهار قرن نخست اسلامی در موضوع نظافت به خصوص حمام پرداخته و روایات اسلامی مرتبط با موضوع، مرجع و منبع استناد مطالب و استدلال‌های آن است.

منابع روایی اهل سنت و شیعه به‌مثابه اسناد تاریخی و فتاوی عصری فقیهان، نسبت به استفاده از حمام گزارش‌های دوگانه‌ای دارند. برخی از روایات، رفتن به حمام‌های عمومی را نهی کرده و برخی در مقابل، حتی آداب رفتن به حمام را نیز برشمرده‌اند. گستره این روایات به خصوص در مورد رفتن زنان به حمام‌های عمومی بیشتر است. واکاوی این روایات تا قرن چهارم هجری که در کتب روایی متقدم شیعه و سنی تدوین گردیده است، مبنایی برای نشان دادن تغییرات فکری و اجتماعی مسلمانان است که در این نقل‌ها منعکس گردیده و نشان از تغییرات جدی سبک زندگی مسلمانان در این قرون دارد.

پیشینه پژوهش

آثار نگارشی مرتبط با سبک زندگی اسلامی بسیار زیاد است و اکثر این نگارش‌ها با رویکرد قرآنی به بیان اصول ثابت و متغیر سبک زندگی اسلامی پرداخته‌اند؛ اما در مورد نحوه تغییرات سبک زندگی مسلمانان و

۲. «تبیین علل تفاوت سبک زندگی اسلامی با سایر سبک‌های زندگی از دیدگاه قرآن کریم»، ص ۱۹۰.



در فتح شام و برای خوش آمد حاکمان، دست به ساخت این گونه روایات زده‌اند.^۳

مبانی نظری پژوهش

۱) سبک زندگی

اصطلاح سبک زندگی یا Lifestyle از مفاهیم دنیای معاصر است که نخستین بار توسط آلفرد آدلر روانشناس اتریشی در سال ۱۹۲۹ میلادی معرفی گردید.^۴ در زبان‌های مختلف، از ترکیب «سبک زندگی» به شکل‌های گوناگون یاد شده است. در لغت‌نامه‌های لاتین Lifestyle به معنای راه یا روشی برای زیستن^۵، شیوه زندگی و کار یک فرد یا گروهی از مردم^۶ و همچنین روش زندگی شخصی و کارهایی که یک فرد یا گروه خاصی از مردم انجام می‌دهند^۷ و علائق، نظرات، رفتارها و جهت‌گیری‌های رفتاری یک فرد، گروه یا فرهنگ^۸ آمده است. «سبک» در فارسی به معنای سیره، اسلوب، راه، روال، روش، شیوه، طرز، طریق، طریقه و منوال مطرح شده است.^۹ اندیشمندان علوم اجتماعی، «سبک زندگی را معمولاً مبتنی بر سازمان اجتماعی مصرف می‌دانند و به جای سازمان اجتماعی تولید، بر نگرش‌های هنجاری مرتبط با مصرف تاکید می‌کنند و در متن این بحث، مفهوم مصرف را به گسترده‌ترین معنای آن به‌کار می‌برند که منظور از آن تمامی فعالیت‌های اجتماعی است که در تعیین ویژگی‌ها و هویت مردم نقش دارند».^{۱۰} به عقیده این دانشمندان، مفاهیم ناظر بر سبک زندگی در متن و زمینه فرهنگ مصرف بسط یافته‌اند و شاید بتوان گفت که به این زمینه وابسته بوده‌اند. از نظر

ایشان «این امر حاوی دو نکته است. اول اینکه در سبک زندگی باید به دنبال تنوع و دگرگونی بود و دوم آنکه اگرچه سبک‌های زندگی بر مبنای ذائقه‌ها و ارزش‌های شخصی شکل می‌گیرند، اما می‌توان انتظار داشت که الگوی‌هایی قابل تشخیص باشند که با ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی دیگر هم‌خوان باشند».^{۱۱} با در نظر داشتن این تعاریف، با واژه فراگیری روبرو هستیم که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس، سرگرمی و تفریح، کار و شغل، تاهنر و غیره، همگی را شامل می‌شود. در واقع مفهوم سبک زندگی «نشان‌دهنده نگرش و دارایی افراد بوده و به علائق، نظرات، جهت‌گیری رفتارها و شیوه زندگی خاص یک فرد، گروه، جامعه یا فرهنگ اشاره می‌کند و با دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متناقض تعریف گردیده است»^{۱۲}؛ اما آنچه در این نوشتار مورد نظر است، معنای عمومی این واژه و توجه به نگرش مسلمانان در برخورد با شیوه‌های نوین زندگی یا سبک زیستن منطبق با معیارهای اخلاقی نوپدید در جوامع موجود در قرون اولیه و یافتن عادات و سلائق زندگی فردی و گروهی آنان است.

۲) فتوحات

پس از رحلت پیامبر اکرم(ص)، خلیفه اول بعد از دفع مدعیان پیامبری و برگشتگان از اسلام در جنگ‌های رده، مسلمانان را به نبرد با رومیان و فتح شام، فلسطین و بین‌النهرین گسیل کرده و کنعان را به تصرف درآورد.^{۱۳} در ادامه، خلیفه دوم موفق به فتح عراق و شام گردید و تا کوه‌های توروس در آسیای صغیر پیش رفت.^{۱۴} او همچنین اورشلیم را که از سوی اسقف اعظم تسلیم شده بود، تصرف کرده و تا فتح مصر و شمال آفریقا و از ناحیه ایران نیز تا ماوراء

۳. حجاب شرعی در عصر پیامبر، صص ۹۱۲-۹۱۴.

۴. «بررسی رابطه امنیت اجتماعی و سبک زندگی».

5. Longman online Dictionary English/LDOCE 2022.

6. Oxford advanced learner's dictionary online 2022.

7. Cambridge English online Dictionary 2022.

8. Merriam Webster online Dictionary 2022.

۹. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه.

۱۰. «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی»، ص ۲۴.

۱۱. همان.

۱۲. «مفهوم سبک زندگی در علوم اجتماعی»، ص ۱۹۹.

۱۳. تاریخ سیاسی اسلام، صص ۲۳۸ و ۲۳۹.

۱۴. همان، ص ۲۴۴.



النهر پیش‌روی کرد.^{۱۵} سپس، عثمان بعد از رسیدن به خلافت، به دریاچه آرال و سواحل دریای کاسپین و دریای سیاه و قسمت زیادی از سواحل لیبی مسلط گردید.^{۱۶} و امویان شمال آفریقا تا مراکش و اندلس را بر تصرفات پیشین افزود.^{۱۷} مجموعه این سرزمین‌ها به تدریج تحت نظر حاکمان اسلامی قرار گرفت و با قوانین رایج در مناطق اصلی اسلامی اداره گردید؛ با این حال، مردم آن مناطق اجازه داشتند آداب مذهبی خود را انجام داده و سبک زندگی پیشین خود را ادامه دهند.^{۱۸}

۳) نظافت

در این متن منظور از نظافت، مکان‌های مرتبط با نظافت یعنی دستشویی و حمام بوده و تمرکز عمده پژوهش بر حمام است.

سبک معماری شهری در نیم قرن اول هجری

سبک معماری و بناهای شهری در نیمه نخست قرن اول هجری، منبعی برای شناخت سبک زندگی مسلمان اولیه است که در مقایسه با بناهای به‌وجود آمده در سالیان بعد، تغییرات به‌وجود آمده در افکار و تنوع زیستی آنان را نشان می‌دهد. زندگی عمومی پس از هجرت پیامبر(ص) به یثرب، ادامه زیست قبیله‌ای رایج در آن شهر بود. در سال سیزدهم بعثت با ورود پیامبر(ص) به یثرب، بناسازی در این شهر با ساکنان جدید خود که مسلمانان مهاجر بودند، توسعه یافت و ساخت مسجدالنبی و خانه‌های متصل به آن که در اختیار پیامبر(ص) و بزرگان صحابه قرار گرفت، اولین بناهای ساخته شده مسلمانان در این شهر بود.^{۱۹} گرچه اطلاعات موثقی از سبک معماری این دوران در دست نیست، اما ساخت مسجد در این شهر با کارکردهای

فراوان آن، مرکزیتی برای آن بوجود آورد که با توصیف برخی روایات، حدوداً می‌توان به ویژگی‌های آن واقف گردید.^{۲۰} به نظر می‌رسد معماری در میان عرب عصر جاهلی، چندان دارای پیچیدگی و مهندسی خاصی نبوده، بلکه عمدتاً از معیشت بدوی و طبیعت خشک و خشن آنان الهام گرفته است. سازه‌های مختلف به‌کاررفته در معماری مدینه اغلب از سنگ‌های تراشیده، چوب و خشت بوده‌اند.^{۲۱} «مدینه‌النبی» با نام پیشین یثرب، اولین مرکز توجه مطالعات اسلامی، پیش از ورود پیامبر(ص) و مهاجران مسلمان از محلات جدا از هم و نسبتاً مستقل تشکیل شده بود.^{۲۲} برخی مدینه را به بیش از نه روستای مجزا تفکیک می‌نمایند.^{۲۳} ساختار کالبدی این شهر پیش از ورود اسلام شامل قلعه‌ها (أطم‌ها)، بازارها، مکتب‌خانه‌ها و سقیفه‌ها بوده که ساکنان عرب و یهودی را در خود جای داده بود.^{۲۴} گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد اغلب مکان‌هایی که در این شهر نام برده شده، بعد از مسجد النبی و مساجد متفرقه، خانه‌های بزرگان و صحابه سرشناس یا ثروتمند، قلعه‌های یهود و چاه‌ها بوده است. همچنین محله بقیع که خارج از حصار مدینه قرار داشت و مقابر و محلات آن، در کتب تاریخی نامبرده شده‌اند. افزون بر آن، خانه‌های قبایل ساکن در مدینه و محلی که منسوب به قبیله بنی ساعده بود نیز در گزارش‌های تاریخی ذکر شده است. گرچه از ویژگی معماری خانه‌ها گزارش دقیقی یافت نمی‌شود؛ اما در مورد محله بنی ساعده از دو مکان یاد شده است: یکی خانه سعد بن عباده، رئیس قبیله خزرج و دیگری محلی به نام سقیفه که در تاریخ صدر اسلام و تعیین خلافت

۲۰. ر.ک: «معماری مساجد و ابنیه در عصر پیامبر(ص)».

۲۱. ر.ک: مدینه شناسی، ج ۱، صص ۳۰-۸۳.

۲۲. ر.ک: «بررسی و الگوشناسی مکان‌یابی مساجد عصر نبوی در مدینه»، ص ۶.

۲۳. برخی از این روستاها عبارتند از: خیبر، فدک، ینبع، دومة الجندل، وادی القری، قبا، عقیق که از آن میان، قبا و عقیق و بخش مرکزی یثرب از همه مهم‌تر بودند (ر.ک: همان، صص ۳-۱۶).

۲۴. همان.

۱۵. ر.ک: همان، صص ۲۶۰-۲۶۷.

۱۶. همان، صص ۲۸۸-۲۹۷.

۱۷. همان، صص ۳۹۳-۳۹۸.

۱۸. ر.ک: دیباچه‌ای بر تاریخ فلسفه نشر اسلام، صص ۲۵-۳۷.

۱۹. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۳۹.



بعد از نبی اکرم (ص) شناخته شده است.^{۲۵} «سقیفه به معنای فضای مسقف می‌باشد و در شهر مدینه پیش از اسلام، فضاهای عمومی و محلی برای اجتماعات هر قبیله بوده و تصمیم‌گیری راجع به امور جاری قبیله در چنین فضاهایی و با حضور بزرگان قوم انجام می‌شده است. این فضاها را به صورت سایبانی در یک باغ متعلق به بزرگان می‌ساختند. دیوارهای آن معمولاً از خشت بوده و با شاخ و برگ درخت خرما مسقف می‌گشت. از معروف‌ترین سقیفه‌ها می‌توان به سقیفه «بنی ساعده» در محله بنی ساعده اشاره کرد».^{۲۶} در میان این گزارش‌های تاریخی، بنایی به عنوان حمام گزارش نشده است؛ اگرچه در مورد دستشویی گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد در آن مکان، قضای حاجت می‌شده و با نام‌هایی مانند «الخلأ، الغائط، المخرج، الکنیف، المتوضأ، الحظيرة و...»^{۲۷} نام‌برده شده و چاه فاضلاب نیز وجود داشته و به آن بالوعة می‌گفته‌اند.^{۲۸} برخی روایات که برای احکام شرعی نظافت مورد توجه فقها قرار گرفته، به گونه‌ای به موقعیت دستشویی در آن زمان اشاره دارد؛ از جمله روایتی از امام صادق (ع) که می‌فرماید: «پیامبر (ص) بسیار مراقبت می‌فرمود که ادرار به او اصابت نکند؛ هرگاه می‌خواستند تخلی کنند جایی می‌رفتند که بلند باشد یا جایی که خاک زیاد باشد تا ادرار برنگردد و کراهت داشتند که ادرار به او اصابت کند».^{۲۹} همچنین در روایت دیگری به نقل از پیامبر (ص) آمده است: «از نشانه‌های فهم مؤمن آن است که برای ادرار خود، مکانی معین و مناسب انتخاب کند».^{۳۰} این روایات نشان می‌دهد استفاده از دستشویی ابتدا عمومی بوده و بعدها بر خصوصی نمودن آنها سفارش شده است.

۲۵. رک: مدینه شناسی، ج ۱، صص ۳۰-۸۳.

۲۶. «بررسی و الگو شناسی مکان‌یابی مساجد عصر نبوی در مدینه»، ص ۷.

۲۷. لسان العرب، ج ۹، ص ۳۰۹.

۲۸. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۲، ص ۵۷.

۲۹. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲.

۳۰. الکافی، ج ۳، ص ۱۵.

چنان‌که بعد از نزول آیات حجاب نیز با نشانه‌ای از بیرون رفتن افراد برای قضای حاجت مواجهیم که نشان می‌دهد این مکان، عمومی و در فضایی خارج از منزل بوده است.^{۳۱} رویه ساخت دستشویی در مکان مناسب و رعایت نظافت همواره مورد تاکید بوده است؛ مانند آن‌که سفارشات دربار شستشوی بسیار بعد از قضای حاجت و منع قضای حاجت در سایه‌ای که قافله در آن‌جا منزل می‌کند یا زیر درخت میوه‌دار، یا در کنار چاهی که از آن آب می‌کشند، یا نهری که از آن آب برمی‌دارند، از پیامبر (ص) وارد شده است.^{۳۲} که همگی نشان می‌دهد قضای حاجت در مکان‌های غیر مستور تا مدت‌ها رایج بوده؛ اما نظافت فردی و محیطی در آن مد نظر بوده است.

بعد از گذشت چند دهه از زمان پیامبر (ص) نیز هنوز گزارش‌هایی در مورد دستشویی به چشم می‌خورد که می‌توان به کیفیت ساخت یا مکان متفاوت آن پی برد. در روایتی آمده است که امام صادق (ع) هر گاه داخل کنیف می‌شد سرش را می‌پوشاند و آهسته می‌گفت: بسم الله و بالله.^{۳۳} «کنیف» در این متن به معنای دستشویی است و در این زمان «مکان سرپوشیده‌ای بوده که از چوب یا برگ درخت برای شتر آماده می‌کردند تا از باد و سرما محافظت شود».^{۳۴} با این مفهوم به نظر می‌رسد مکان تخلی، مانند جای شتران، سرپوشیده بوده و از سازه چوبی و پوشالی یا سبک ساخته می‌شده است. در روایت دیگری نیز از محمد بن اسماعیل بن بزيع توجه به شیوه ساخت یا استفاده از این مکان آمده است: «داخل خانه حضرت رضا (ع) شدم و در آنجا کنیف رو به قبله بود و حضرت فرمود که هر کس سهواً برابر قبله بول کند و به خاطرش رسد که رو به قبله است و از جهت تعظیم و اجلال قبله بگردد، از آنجا برنخیزد تا حق سبحانه و تعالی او

۳۱. صحیح البخاری، ج ۸، ص ۲۰۲؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۰۹.

۳۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲.

۳۳. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۲۴.

۳۴. لسان العرب، ج ۹، ص ۳۰۹.

را پیامرزد»^{۳۵}. بنابراین به نظر می‌رسد مکان تخلی در زمان پیامبر(ص) در خانه‌ها وجود نداشته و در جایی مشخص و دور از خانه‌ها بوده است که دسترسی به تلی از خاک یا مکانی بلند در زیر پای انسان فراهم باشد؛ بدان دلیل که نجاست به بدن اصابت نکند و به تدریج پیامبر(ص) بر رعایت جوانب بهداشتی آن افزوده است؛ ولی در زمان امام صادق (۸۳-۱۴۸ق) و امام رضا (۱۴۸-۲۰۳ق) علیهما السلام یعنی از انتهای قرن اول به بعد که فتوحات اسلامی انجام شده و مسلمانان با سبک‌های جدید ساخت‌وساز آشنا شده‌اند، این مکان در خانه‌ها ساخته می‌شده و دارای سازه مشخص نیز بوده است.

چگونگی برخورد مسلمانان با پدیده وارداتی حمام در قرون اولیه اسلامی

روایات حمام در منابع اسلامی از جمله مستنداتی است که مواجهه مردمان آن عصر با دنیای جدید و تفکر و اندیشه آنان در برخورد با پدیده‌های وارداتی را نشان می‌دهد و به‌طور کلی، سبک زندگی مسلمانان قرون نخستین اسلامی را بازنمایی می‌کند. روایات حمام در مورد مردان و زنان با متنی متفاوت وارد شده و از پیامبر اسلام(ص) و صحابه تا ائمه معصومین(ع) نقل گردیده است. در این روایات استحمام برای مردان، علاوه بر تاکید و توصیه عمومی بر نظافت و شستشو، در رفع بیماری نیز تجویز شده است. در کنار این روایات، متنی‌هایی نیز مختص به زنان وجود دارد که با نهی و مواجهه با بیرون رفتن آنان همراه شده و تا حرمت خروج زنان از خانه ارتقاء یافته‌اند. مجموعه این روایات نشان می‌دهد مسلمانان با پدیده نوظهوری مواجه گردیده‌اند که پیش از آن با این سبک زندگی مأنوس نبوده و آن را نمی‌شناختند. در منابع روایی، احادیثی از پیامبر(ص) در مورد رفتن زنان به حمام نیز آمده است که بنابر متن این روایات، استفاده زنان از

حمام‌های خانگی یا به تعبیر دیگر استحمام در خانه، بر رفتن به حمام‌های عمومی، ترجیح داده شده است. برخی از این روایات چنین است:

- ۱- عایشه(رض) از زنان حمص که برای استفتاء نزد وی آمده بودند، پرسید: «احتمالاً شما زنانی هستی که به حمام می‌روند؟ گفتند آری. گفت پیامبر(ص) فرمود: اگر زن در غیر از خانه همسرش لباس از تن برکند، حرمت بین خود و خدایش را شکسته است»^{۳۶}
- ۲- از جابر بن عبدالله روایت است که رسول‌الله(ص) فرمود: «هر کس به الله و روز قیامت ایمان دارد نباید اجازه دهد که زنش به حمام بازار برود و نیز کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، بدون لنگ وارد حمام عمومی نگردد»^{۳۷}.

۳- از ام‌الدرداء روایت است که می‌گوید: «از حمام بازار بیرون شدم؛ رسول‌الله(ص) با من روبرو شد و فرمود: از کجا می‌آیی؟ گفتم از حمام؛ فرمود: قسم به ذاتی که جانم در قبضه اوست هر زنی که لباسش را در خانه دیگری بیرون نماید و عریان شود، حتماً پرده بین خود و خداوند رحمان را پاره نموده است»^{۳۸}. گزارش‌های مزبور نشان‌گر آن است که در زمان رسول خدا(ص) حمام وجود داشت و مسلمانان با این بنا و معماری و مسائل فرهنگی آن آشنا بودند؛ حال آنکه در واقع چنین نبوده است و هیچ گزارش تاریخی مبنی بر آشنایی اعراب شبه جزیره با این نوع بنا در آن زمان مشاهده نمی‌شود. حدیث پژوهان، روایات حمام از ابن عباس، ام‌الدرداء و سایر صحابه را ضعیف می‌دانند و می‌گویند صحبت کردن از حمام در اقوال صحابه، صرفاً نشان‌دهنده آن است که با این مکان برای شستشو آشنایی ذهنی داشته‌اند؛ ولی با

۳۶. مسند ابی‌داود الطیالسی، ص ۲۱۲؛ سنن الدارمی، ج ۲، ص ۲۸۱؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۰۰؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۸۸؛ المعجم الأوسط، ج ۳، ص ۳۲۱؛ السنن الکبری، ج ۷، ص ۳۰۸. ۳۷. مسند الإمام احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۳۹؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۸۸. ۳۸. مسند الإمام احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۳۶۱ و ۳۶۲؛ الذریة الطاهرة التنویة، ج ۲، ص ۱۳۴.





این شکل مخصوص، بنایی به نام حمام نبوده است.^{۳۹} حدیث پژوهان متقدم نیز ذیل روایت عایشه (رض) از زنان حمص می‌گویند اساساً در آن روزگار حمام نبوده است.^{۴۰} برعکس، بسیاری از گزارش‌ها مبنی بر تطهیر، استحمام یا غسل در خانه گزارش شده است و از آنجا که «باران در مدینه زیاد می‌بارید و در وادی‌ها روان می‌گشت و آب زیرزمینی در شهر نزدیک به سطح زمین بود، چاه‌های زیادی برای آبیاری و شرب حفر شده بود و چاه‌هایی در داخل خانه‌ها بود که فقط برای آشامیدن از آنها استفاده می‌شد».^{۴۱} بر این اساس، دسترسی به آب برای شستشو در خانه فراهم بوده است. از عایشه (رض) و میمون (رض) و دیگر همسران رسول خدا (ص)، روایات زیادی وارد شده است که پیامبر (ص) در خانه غسل می‌کرد^{۴۲} و به نماز می‌ایستاد^{۴۳} و گاه این شستشوها همراه همسران بوده و هر دو از یک ظرف استفاده می‌کرده‌اند.^{۴۴} این روایات گرچه بنایی با عنوان حمام در خانه‌ها را گزارش نکرده است؛ اما نشان می‌دهد این کار، بسیار ساده برگزار می‌شده و همان غسل که مورد تأکید قرآن بوده^{۴۵} را انجام می‌داده‌اند که قطعاً برای صحابه نیز چنین بوده است.

آشنایی مسلمانان با حمام‌های عمومی در واقع بعد از فتوحات و در زمان عمر بوده است. این مسأله از نامه عمروعاص در فتح اسکندریه به عمر بن خطاب مشخص است. عمروعاص در این نامه از شکوه و آبادانی این شهر گزارش کرده و آن‌ها را غیر قابل توصیف می‌داند. او می‌گوید «بناهای عالی، نمایش‌خانه‌ها و حمام‌های این شهر، تا چهارهزار بنا می‌رسد. اهالی این شهر بسیارند و از جمله ساکنین آن

چهل هزار یهودی‌اند که برای جزیه دادن ما را بی‌نیاز می‌کنند».^{۴۶} در این گزارش‌ها حتی آمده است که فرمانده رومی‌هایی که با عمروعاص جنگیده و موجب کشته شدن بسیاری از سربازان رومی شده است، مورد خشم نظامیان خود قرار گرفته و در حمام به او حمله کرده و وی را به قتل رسانده‌اند که همین در پیروزی مسلمانان تعیین‌کننده بوده است.

قطعاً این‌گونه آشنایی مسلمانان با حمام در دیگر سرزمین‌ها، بعد از فتوحات است و روایات نشان می‌دهد که آشنایی با این مکان، موجب گرایش مسلمانان در ساخت حمام در قلمرو خود شده و تغییر نگرش آنان را در استفاده از این پدیده جدید در پی داشته است؛ در عین آنکه بسیاری نیز با آن مخالفت کرده‌اند. این نگاه دوگانه که حکایت از دو برداشت و موضع‌گیری در مقابل پدیده‌های نوین و زندگی به دو سبک متفاوت است، در مضمون روایتی از شیخ طوسی این چنین بروز پیدا کرده است: «علی (ع) و عمر به حمام وارد شدند؛ عمر گفت چه بد جایی است حمام؛ رنج در آن افزون شده و حیا کم می‌گردد؛ پس از آن، علی (ع) گفت چه نیک جایی است حمام؛ چرک را می‌برد و آتش جهنم را به‌یاد می‌آورد».^{۴۷} به این دلیل برخی فقیهان نیز با جمع این دو نگاه، حمام را بدترین جاها دانسته و فقط به جهت رفع مشکلات جسمی آن را تجویز کرده و می‌گفتند: «حمام بد جایگاهی است؛ عورات را نمایان کرده و حیاء را از بین می‌برد؛ ولی برای آن کس که خواهان سودمندی آن است به شرط پرهیز از مشکلات آن، اشکالی ندارد».^{۴۸}

نحوه بهره‌مندی مسلمانان از حمام که موجب تجربه‌ای نوین در زندگی آنان بوده نیز در گزارش‌هایی از خلال کتب تاریخی قابل دریافت است. این گزارش‌ها حاکی از آن است که در سرزمین‌های جدید مانند شام، رفتن رومیان به داخل حمام‌ها با ستر و پوشش قسمت‌های

۳۹. رک: السیرة الحلبیة، ج ۱، ص ۵۳۰؛ موارد الظمان، ج ۱، ص ۲۷۹.

۴۰. عون المعبود، ج ۱۱، ص ۳۳.

۴۱. «موقعیت اقتصادی مدینه در دوران جاهلیت»، ص ۸۰.

۴۲. مسند اسحاق بن راهویه، ج ۴، ص ۲۱۶؛ فقه الرضا، ص ۸۳.

۴۳. ذکری الشیعة، ج ۲، ص ۲۴۱.

۴۴. الاستذکار، ج ۱، ص ۲۹۸؛ الخصال، ج ۱، ص ۳۵.

۴۵. نساء، ۴۳؛ مائده، ۶.

۴۶. الاکتفاء، ج ۲، ص ۳۴۴.

۴۷. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۷۷.

۴۸. عون المعبود، ج ۱۱، ص ۳۳.



میانی بدن نبوده و همه افراد به شکل عریان در آن داخل می‌شده‌اند.^{۴۹} به دلیل عدم تجربه کافی مسلمانان در استفاده از این موقعیت ویژه وارداتی، ورود آنان نیز به حمام‌ها بدون رعایت آداب ستر بوده است؛ به همین دلیل برخی از صحابه و حتی تابعان از رفتن به این مکان‌های عمومی اجتناب کرده و داخل شدن در آنها را جایز نمی‌دانستند. برای نمونه درباره عبدالله بن عمر آمده است که او هیچ‌گاه به حمام نمی‌رفت؛ زیرا شنیده بود در آن‌جا مردم خود را نمی‌پوشانند؛ او حتی در اواخر عمر که پزیشک، رفتن به حمام را برای او تجویز می‌کند تا از بیماری و ضعف او کاسته شود، وقتی وی داخل حمام شده و می‌بیند هیچ‌کس خود را

نپوشانده از آن‌جا خارج شده و می‌گوید من نیازی به حمام ندارم.^{۵۰} نیز از او نقل است که می‌گفت «من رفتن به حمام را ترک کرده‌ام زیرا از کارهای سطحی و غیرضروری زندگی است».^{۵۱}

گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که بعد از فتوحات، نگاه تجاری به حمام و ساختن آن رایج شده بود و برخی از جمله خدمات امام علی(ع) را ساخت حمام دانسته‌اند؛^{۵۲} و حتی استحمام در این اماکن نیز از ایشان گزارش شده است. در برخی روایات شیعه آمده است که حسن و حسین(ع) در حمام نیز از علی(ع) محافظت می‌کردند تا اینکه ابن‌ملجم که در کوفه بود به او نزدیک نشود.^{۵۳} محمد بن حنفیه این داستان را چنین نقل می‌کند: «من و حسن و حسین در حمام نشسته بودیم که ابن‌ملجم به حمام آمد. چون حسن و حسین او را دیدند گویی از او ناراحت شدند و گفتند چطور جرئت می‌کنی که پیش ما بیایی. من به آنها گفتم اعتنا نکنید. به جان خودم که مهم‌تر از این شخص هم

۵۴. الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۷؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۹.

۵۵. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۶۵.

۵۶. الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۳۹.

۵۷. المصنف، ابن‌ابی‌شیبة، ج ۴، ص ۴۳۶.

۵۸. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۹۴.

۵۹. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۶۸.

۴۹. الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۳۹.

۵۰. همان، ج ۴، ص ۱۳۷.

۵۱. همان، ج ۴، ص ۱۳۹.

۵۲. علی معیار کمال، ص ۱۹۳.

۵۳. موسوعة کلمات الإمام الحسن(ع)، ص ۶۶۹.



بن الحسین (ع) بوده است.^{۶۰} بر اساس این گزارش‌ها، از آنجا که سبک استفاده و ورود به حمام‌ها بدون ستر بوده، برخی فقها در رفتن به حمام‌های عمومی سخت‌گیری می‌کردند، تا آنجا که نماز در حمام‌ها را نیز جایز نمی‌دانستند^{۶۱} و سلام کردن به کسی که در حمام بوده است را روا نمی‌دانستند^{۶۲} و قرائت قرآن در حمام را مکروه می‌دانستند^{۶۳}؛ تا آنجا که کتابت حدیث از رجال آن نیز در حمام جایز نبوده است.^{۶۴}

این سبک حضور در حمام‌ها باعث شده بود بسیاری به حمام عمومی نروند؛ برای مثال از عبدالله بن عون بن اربطبان (ابوعون)، ساکن کوفه و معاصر ابن سیرین نقل شده است که به دلیل برهنگی مردم در حمام‌ها، هیچ‌گاه حمام نرفته است^{۶۵}؛ از همین رو، حمامی‌ها برای جلب بزرگان، حمام‌ها را برای آنان خلوت می‌کردند.^{۶۶} بعدها به دلیل این مشکل و ناسازگاری فرهنگی حمام‌های عمومی با فرهنگ مسلمانان، عمر بن عبدالعزیز (۶۳-۱۰۱ق) دستوری صادر کرد که مسلمانان نباید بدون بستن لنگ در حمام وارد شوند و علاوه بر آن زنان نیز نباید به گرمابه‌های عمومی بروند.^{۶۷} با این حال، علی‌رغم دستورالعمل‌های حکومتی، همچنان روایاتی وجود دارد که نشان‌دهنده رعایت نشدن ستر در داخل حمام‌ها تا قرن دوم است. برای نمونه از امام صادق (ع) نقل است: «چه بدجایی است حمام؛ پرده را بدرد و عورت را پدید کند و چه خوب است گرمابه که سوزش دوزخ را بیاد آورد و از ادب است که کسی فرزندش را با خود درون

حمام نبرد که به عورتش بنگرد».^{۶۸} به این دلیل تا دوره بسیار زیادی، استفاده از حمام‌های خانگی وجود داشته است؛ مثلاً درباره اوزاعی، معاصر منصور عباسی و از دوستان او، گفته شده است که او در گوشه حمام خانه‌اش در گذشته است.^{۶۹} یا در مورد صدقات و موقوفات امام موسی کاظم (ع) نقل شده است که ایشان زمین و ملک و متعلقات آن از جمله حمام خانه را به فرزندان بلافصل خود وقف نمود.^{۷۰}

اما در مورد گسترش حمام‌های عمومی در قرن دوم و استفاده بزرگان دین از این مکان‌ها نیز گزارش‌هایی وجود دارد؛ چنان‌که آمده است که هرگاه امام صادق (ع) به حمام می‌رفت صاحب حمام از او می‌خواست که حمام را برای وی قُرق کند؛ اما امام می‌فرمود: «نیازی نیست؛ کار مؤمن آسان‌تر و سبک‌تر از این‌ها است».^{۷۱} هم‌چنین نقل‌های زیادی از امام رضا (ع) در کتب روایی آمده است که در حمام همراه دیگران بود تا آنجا که گاه مردم او را نمی‌شناختند و از او درخواست می‌کردند تا آن‌ها را مالش دهد و او نیز چنین می‌کرد.^{۷۲} نیز نقل است که آن حضرت در مسیر خراسان به هر حمامی وارد می‌شد بعدها آن حمام‌ها تبرک یافته و مورد توجه قرار می‌گرفت.^{۷۳} تا آنجا که آمده است امام رضا (ع) در مرمت حمام‌ها یا ساخت آن‌ها اقداماتی نیز انجام داده است. شیخ صدوق در گزارشی آورده است: «چون حضرت رضا (ع) به نیشابور وارد شد در محله‌ای که آن را فروینی گویند به حمام رفت و در آن محل حمامی بود که همین حمام معروف است و آن را در این زمان حمام الرضا (ع) می‌گویند و در کناری از آن محل چاهی بود که رو به خشکیدن نهاده بود؛ حضرت کسی را گماشت که آن

۶۰. همان، ج ۲، ص ۳۹.

۶۱. المصنف، ابن ابی شیبیه، ج ۲، ص ۲۷۴؛ ج ۸، ص ۴۱۲؛ الوافیة، ص ۹۵.

۶۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۵۲۶.

۶۳. الجامع لأحكام القرآن، ج ۴، ص ۳۱۱.

۶۴. المجروحین، ج ۱، ص ۳۴۳.

۶۵. الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۲۷۳.

۶۶. الأنوار البهیة، ص ۲۴۶.

۶۷. الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۴۹.

۶۸. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۷۷.

۶۹. البدایة و النهایة، ج ۱۰، ص ۱۲۰.

۷۰. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۷۱.

۷۱. الأنوار البهیة، ص ۲۴۶.

۷۲. تحلیلی از زندگانی امام رضا (ع)، ص ۵۲.

۷۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۰۰.



مصرف‌های نوین، بی‌اعتنایی به باورهای عرف عربی - اسلامی را دامن زده بودند، باعث تشدید دغدغه‌مندی فقیهان از این پدیده وارداتی شده است؛ علی‌رغم آن‌که ائمه شیعه (ع) گاه از گرمابه‌های عمومی استفاده می‌کردند؛ اما از رهگذر این اندیشه که استفاده از حمام با شرایط عدم رعایت ستر در آن، مورد انکار متشرعان بوده است، می‌توان دریافت که جواز استفاده از حمام بر طبق معیارهای شرعی، سخت‌گیرانه بوده و به سادگی با سبک زندگی رو به رشد مسلمانان تغییر نیافته است.

سبک نظافت در حمام در مورد زنان

بهره‌مندی از حمام‌های عمومی در مورد زنان، از ابتدا بسیار سخت‌گیرانه‌تر از مردان بوده و روایات ناظر بر محدودیت زنان گسترده‌تر از روایات عام حمام است. قطعاً توجه خاص به حجاب زنان و دیدگاه عصری مسلمانان قرون اولیه در سخت‌گیری بر خروج زنان از خانه^{۷۷}، موجب بروز مواجهه‌هایی در خصوص عدم اجازه زنان در رفتن به حمام‌های عمومی نیز گردیده است. برای نمونه از ابتدای آشنایی مسلمانان با حمام، عمر بن خطاب از حضور توأمان زنان اهل کتاب با زنان مسلمان در حمام‌ها جلوگیری می‌کرد و به ابوعبیده جراح که عامل شام در مناطق فتوحات بود نامه نوشته بود: «شنیدم که زنان اهل کتاب با زنان مسلمان به یک‌جای به گرمابه می‌شوند؛ تمکین مکن ایشان را از آن‌که با زنان مسلمان به گرمابه روند و اندام ایشان ببینند»^{۷۸} در پی آن آمده است که ابوعبیده «کس فرستاد و منع کرد»^{۷۹}.

این گزارش علاوه بر تأیید وجود پیشینی حمام در مناطق تازه فتح‌شده، بر بهره‌مندی مسلمانان و حتی زنان آنان از این مکان اشاره می‌کند و نمایان‌گر این واکنش فرهنگی است که تا قبل از دستورالعمل حاکم

چاه را لایروبی کرد و آبش فراوان گشت و در بیرون درب چاه حوضی ساخت که با پله وارد آن می‌شدند و آن را از آب آن چاه پر کردند و حضرت در آن حوض غسل کرد و بیرون آمد و در پشت آن حوض نماز گزارد و مردم به نوبت در آن داخل شده، غسل می‌کردند و نماز می‌خواندند و از آن آب به قصد تبرک می‌نوشیدند و خداوند عزوجل را ستایش می‌نمودند و از درگاه کرمش حاجت می‌خواستند و آن همین چشمه‌ای است که امروزه معروف به چشمه کهلان است و مردم از هر طرف به سوی آن می‌آیند»^{۷۴} این

روایت وجود حمام مورد نظر را تا قرن چهارم گزارش می‌کند. ابن شهر آشوب نیز در کتاب مناقب نقل کرده است: «وقتی حضرت رضا (ع) به محله فوزا در نیشابور وارد شد، دستور داد حمامی در آنجا بسازند و قناتی حفر کنند و حوضی بسازند که بالای مسجد و محل نماز باشد. در همان حوض امام (ع) شستشو کرد و در مسجد نماز خواند»^{۷۵} گرچه می‌توان هر دو روایت را در مورد یک واقعه دانست؛ اما کثرت روایات حمام از امام رضا (ع) در متون شیعه نسبت به سایر ائمه (ع)، نشان‌دهنده گسترش استفاده از حمام‌ها با آداب اسلامی تا قرن سوم بوده و امام (ع) با رغبت آنها را اصلاح و مرمت می‌کرده یا در استفاده از آن، نحوه صحیح استحمام را آموزش می‌داده است.^{۷۶}

بنابر آنچه بیان شد می‌توان تاریخ پیدایش روایات حمام و نیز فلسفه تقبیح روایات از حمام‌های عمومی و عدم جواز ورود زنان به این مکان‌ها را در سال‌های حکومت خلیفه دوم تا امویان و حتی حکومت عباسیان دانست؛ زیرا در سایه توسعه اقتصادی پس از فتوحات و تغییر ساختارهای اجتماعی، طبقات نوپدید که غالباً جوانان شهری بوده‌اند و ساختار طبقات سنتی و قبیله‌ای را بر هم ریخته و با اقبال همگانی به بازار

۷۴. همان، ج ۲، ص ۱۳۵.

۷۵. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۴۷.

۷۶. برای نمونه رک: الکافی، ج ۶، صص ۴۹۷ و ۵۰۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۱؛ ج ۷۳، ص ۷۵.

۷۷. رک: «بررسی علل ظهور روایات مذمت حضور اجتماعی زنان».

۷۸. روض الجنان، ج ۱۴، ص ۱۲۶.

۷۹. همان، ج ۱۴، ص ۱۲۷.



مسلمان شام، حمام‌ها برای حضور زنان ماهیت مذهبی نداشته و بعد از آن دارای جنبه دینی و رعایت حدود شرعی گردیده است. به نظر می‌رسد روایات عایشه در نهی زنان حمص از رفتن به حمام^{۸۰} نیز متعلق به این دوران بوده و خطاب به زنان مسلمان مهاجر و زنان تازه‌مسلمان در آن سرزمین گفته شده است.

گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که سخت‌گیری نسبت به زنان در رفتن به حمام‌های عمومی در قرن دوم گسترده‌تر شده است. عبدالله ابن قدامه به فتوایی اشاره کرده که فقها ساخت حمام برای زنان و خرید و فروش و کرایه آن را مکروه می‌دانستند.^{۸۱} ابن حنبل کسی که برای زنان حمام می‌ساخت را عادل نمی‌دانست^{۸۲}؛ ابن حکم نیز جواز شهادت آنان را هیچ‌گاه صادر نکرد.^{۸۳} این سخت‌گیری‌ها به جهت برهنگی کامل در حمام‌ها بوده است و نمی‌توان دستور عمر بن عبدالعزیز در مورد منع رفتن زنان به حمام‌های عمومی^{۸۴} را غیر از این امر دانست. علاوه بر آنکه روایت عایشه (رض) در ملاقات با زنان حمص علی‌رغم ضعف آن^{۸۵}، در جهت نهی از عریانی زنان بوده است.

در منابع شیعه نیز روایات سخت‌گیرانه‌ای در مورد زنان وجود دارد که عملاً رفتن آنان به حمام‌ها را منع کرده است. کلینی می‌گوید: «علی (ع) فرمود هر کس از زن خود اطاعت کند، خدا او را در آتش دوزخ سرنگون نماید، سؤال شد آن اطاعت چیست؟ فرمود زن بخواهد که به حمام‌ها (خارج از خانه)، یا مجالس عروسی، مجالس عید و نوحه‌گری با جامه‌های نازک برود».^{۸۶} در کتاب اشعثیات نیز با کمی اختلاف همین متن آمده است.^{۸۷} افزون بر آن، روایات فراوانی با

مضمون مشترک از شیخ صدوق در این باره وارد شده است.^{۸۸} وی همچنین در کتاب‌های الخصال^{۸۹}، من لایحضره الفقیه جلد اول^{۹۰} و جلد چهارم آن در بخش نوادر ذیل وصیت پیامبر (ص) به علی (ع)^{۹۱}، روایات حمام و منع زنان از رفتن به آن‌جا را نقل کرده است؛ تا آن‌جا که به نظر می‌رسد فتوای خود شیخ صدوق نیز بر حرمت رفتن زنان به حمام‌های عمومی بوده است.^{۹۲} گرچه در متن مشابه صدوق با کلینی و ابن اشعث تصحیفی رخ داده که در عبارت «ثیاب الرقاق» که به معنی لباس‌های نازک است، تلقی او متفاوت شده است^{۹۳}؛ اما روایات شیعه، که جامعان آن در قرن چهارم می‌زیستند، همگی متن یک‌دست و متحدالمضمونی دارند که بیرون رفتن زنان به حمام‌های عمومی را منع می‌کرده‌اند؛ نیز باید گفت که ابراز نظر گسترده فقیهان قرن چهارم درباره حمام رفتن زنان، تحت تأثیر دیدگاه کلی‌تر آنان در خروج زنان از خانه بوده است؛ فتاوی‌ای که با عبارات «لیس علی النساء»^{۹۴} در احکام شرعی زنان منعکس شده است؛ زیرا آنان معتقد بودند، بیرون آمدن زنان موجب گناه مردان می‌شود.^{۹۵}

تعدیل تدریجی روایات در استفاده از حمام

روایات و فتاوی حمام همگی گزارش‌هایی تاریخی از تغییرات اجتماعی و فرهنگی بعد از قرن اول است که مواجهه مردم و فقها را با ظهور سبک نوینی از زندگی در این دوران ترسیم می‌کند. در عین حال، روایاتی که

۸۸. ثواب الأعمال، ص ۲۲۴.

۸۹. الخصال، ج ۱، ص ۱۹۶.

۹۰. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۵.

۹۱. همان، ج ۴، ص ۳۶۲.

۹۲. الخصال، ج ۲، ص ۵۸۸.

۹۳. «تأثیر تصحیف و ادراج در معنای متن روایات»، صص ۱۲۷-۱۳۲.

۹۴. المصنف، ابن ابی شیبیه، ج ۱، ص ۲۵۰؛ المصنف، صنعانی، ج ۱، صص ۲۵۲، ۲۵۳، ۴۰۸ و ۵۱۳؛ السنن الکبری، ج ۱، ص ۴۰۸؛ الخصال،

ج ۲، صص ۵۱۱ و ۵۸۵؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۴.

۹۵. فتاوی اللجنه، ج ۱۹، ص ۳۶۷.

۸۰. مسند ابی داود الطیالسی، ص ۲۱۲.

۸۱. المغنی، ج ۱، ص ۲۳۰.

۸۲. کشف الخفاء، ج ۱، ص ۱۸۶.

۸۳. همان.

۸۴. الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۴۹.

۸۵. موارد الظمان، ج ۱، ص ۲۷۸.

۸۶. الکافی، ج ۵، ص ۵۱۷.

۸۷. الاشعثیات، ص ۱۰۷.



عصری فقها به شمار می‌رود؛ چنان‌که شیخ صدوق درباره دیدگاه دوگانه مزبور، ذیل روایت امام علی (ع) در مورد حمام آورده است: «نیکو جایی است حمام؛ آتش جهنم را به یاد آورده و چرک را می‌زداید؛ و بدجایگاهی است آن؛ زیرا پوشش را دریده و حیاء را می‌برد».^{۹۲} محمدتقی مجلسی نیز با اشاره به روند تاریخی فتاوی حمام در شرح این روایت می‌گوید: «سخن امام بدان معناست که حمام منافع و مضراتی دارد؛ پس باید از مضرات آن که هتک ستر و ذهاب حیاست، اجتناب کرد؛ چنان‌که در زمان ایشان شایع بوده که اکثر مردم بدون لنگ به حمام می‌رفته‌اند؛ بدین دلیل که اخبار در مورد لنگ و بلکه ترک حمام بسیار زیاد است؛ چنان‌که در زمان خود ما، در مورد حمام زنان و روستاییان این‌گونه است».^{۹۳}

روایات حمام نشان‌می‌دهد که در چهار قرن نخست اسلامی، رشد و توسعه اقتصادی بعد از فتوحات و تغییر در ساختارهای اجتماعی، سبب افول ساختار طبقات سنتی و پیدایش ناهمگونی در گروه‌های نوپدید بوده که مجموعه منسجمی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و سبک زندگی اعراب مسلمان را تحت تاثیر قرار داده است. سبک نظافت مسلمانان و استفاده تدریجی از حمام در این قرون نشان‌گر تغییر نگرش و ذائقه مسلمانان بعد از فتوحات است. این روایات فرایند تغییرات دو گروه (مسلمان) در تغییرات سریع و آهسته سبک زندگی در قرون اولیه را نمایش می‌دهند. گروه اول طبقات متوسطی هستند که تمایل به مصرف، منع دینی برای تجربیات نوین ایشان ندارد و گروه دوم بزرگان دینی و مراجع فکری جامعه اسلامی‌اند که نه تنها این تغییرات را به یکباره نپذیرفته‌اند، بلکه سایر طبقات اجتماعی را نیز از درافتادن با پدیده‌های نوظهور و خارج از عرف پرهیز می‌داده‌اند؛ اما در نهایت، آهسته و با ارشادات دینی با این طبقات همسو شده‌اند. در این میان امامان شیعه از ابتدا بر استفاده از پدیده‌های نوین و استقبال از

در منع حمام وارد شده‌اند، از ویژگی‌هایی عصری و اجتماعی سخت‌گیرانه دینی در این قرون حکایت می‌کنند؛ اما این سخت‌گیری‌ها پایدار نبوده و علی‌رغم روایات اولیه عدم جواز حضور در حمام‌های عمومی، بعدها متون روایی متعادل‌تر شده و رفتن مردان به حمام را با شرایطی مجاز دانسته‌اند؛ از جمله آنکه روزه نباشند^{۹۴} یا به‌خاطر مریضی به حمام مراجعه نمایند^{۹۵} یا با رعایت ستر در حمام آمد و شد کنند^{۹۶}؛ اما در عین حال، رفتن زنان به حمام حتی با شرایط مذکور ممنوع بوده است. ابن عدی جرجانی از ابن عمر نقل کرده است که می‌گفت: «رسول خدا فرمود هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، جز با لنگ به حمام نرود و برای زن حلال نیست که به حمام اندر آید»^{۹۷}؛ گرچه در همین زمان گزارش‌هایی وجود دارد که حاکی از آن است که حکم حکومتی عمر بن عبدالعزیز در منع رفتن زنان به حمام نیز برطرف گردیده و فقیهان، رفتن زنان به حمام‌های عمومی را بلا مانع دانسته و حتی به آن توصیه می‌کردند.^{۹۸}

اکنون می‌توان پذیرفت که روایات سخت‌گیرانه شیعه تا قرن چهارم نیز برحسب همان شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه سنی مذهب ظهور یافته است. پدر شیخ صدوق در این مورد فتوایی داشته که ناظر بر این شرایط می‌باشد؛ او می‌گوید: «پرهیز از اینکه بی‌لنگ به حمام درآیی که آن از ایمان است و دیده از عورت مردم بیوش و عورت خود را بیوش از اینکه به آن نگاه شود که روایت شده نگاه‌کننده و نگاه‌شونده هر دو ملعونند».^{۹۹} با این تبیین می‌توان دریافت که روایات عدم جواز دخول زنان به حمام و تحریم آن از این منظر بوده که بدون ستر بوده‌اند و قطعاً از فتاوی

۹۶. المصنف، ابن ابی شیبۀ، ج ۲، ص ۴۸۰.

۹۷. شعب الإيمان، ج ۶، ص ۱۵۹؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۶۹.

۹۸. الكامل فی ضعفاء الرجال، ج ۳، ص ۳۴۳؛ شعب الإيمان، ج ۶، ص ۱۵۷.

۹۹. مسند عمر بن عبدالعزیز، ص ۱۸۳.

۱۰۰. شرح السیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۳۶.

۱۰۱. فقه الرضا، ص ۸۷.

۱۰۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۵.

۱۰۳. روضة المتقین، ج ۱، ص ۲۹۵.



تغییرات سبک زندگی همراه با رعایت حدود شرعی ممتاز بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

۱. نگرش متمایز به سبک زندگی مسلمانان در رعایت آداب بهداشتی، در نیم قرن نخست تا قرن چهارم متأثر از عناصری همچون فضاهای سنتی زندگی عربی، آموزه‌های دینی و مواجهه با پدیده‌های نوین پس از فتوحات بوده که رویکرد مسلمانان را در نظافت‌های شخصی تحت تأثیر قرار داده است.

۲. روایات حمام به منابه یکی از منابع تاریخی در شناخت سبک زندگی مسلمانان، حکایت از نوعی تغییر نگرش تدریجی مسلمانان در کارکرد حمام در جایگاه نظافت عمومی و شرعی در چهار قرن نخست اسلامی دارد.

۳. از آنجا که حمام از پدیده‌های نوظهور بوده و در زمان پیامبر(ص) شناخته شده نبود و مسلمانان اولیه از چنین جایگاهی اطلاع نداشته‌اند، روایات حمام به نقل از رسول خدا(ص) به تغییر سبک زندگی در دورانی بعد از پیامبر(ص) اشاره می‌کنند.

۴. سابقه شناخت حمام به معنای مرسوم آن بعد از آشنایی اعراب با سرزمین‌های جدید بوده و از شکل خصوصی و خانگی به تدریج جنبه عمومی یافته است؛ اما دستشویی از شکل عمومی و خارج از منازل، به‌طور اختصاصی در خانه‌ها بنا شده است.

۵. ورود فتاوی شرعی در طی چهار قرن نخست اسلامی نمایانگر اقبال مسلمانان در بهره‌گیری از این

پدیده وارداتی بوده و خاستگاه گسترده آن طبقات متوسط جامعه بوده است.

۶. عدم رعایت اخلاق اسلامی و حرمت‌های شرعی در حمام‌ها، از اولین دلایل ظهور روایات مذمت حمام بوده و در عین حال، نشان‌دهنده تقلید بی‌محابای مسلمانان از سبک عمل غیرمسلمانان در استفاده از این مکان است.

۷. مواجهه منفی مسلمانان متشرع که در قرن نخست با عدم استفاده از حمام همراه بوده، نشان‌دهنده مقاومت منفی طبقات خاصی از مسلمانان با پدیده تغییرات اجتماعی و سبک نوین زندگی بوده است.

۸. عدم رعایت آداب ستر در نیمه اول قرن اول، از موارد تعیین‌کننده مراجع شرعی در مخالفت با نظافت در حمام‌ها بوده است؛ اما به تدریج در نیمه دوم قرن اول به بعد، روایات حرمت استفاده از حمام با رعایت موازین شرعی برای مردان کاهش یافته ولی باقی ماندن روایات حرمت استفاده از حمام برای زنان تا قرن چهارم،

نشان‌دهنده مقاومت مرجعیت شرعی و عدم انعطاف بزرگان دینی در تغییر سبک زندگی زنان بوده است.

۹. تغییر فتاوی فقیهان در مذمت رفتن زنان به حمام‌های عمومی در چهار قرن نخست اسلامی، بسیار کند بوده و در ادامه تلاش برای کنترل زنان در اصل کلی عدم خروج زنان از خانه بوده است که عدم همگامی تغییرات سبک زندگی زنان با مردان را تا قرن چهارم نمایان می‌سازد.

- قرآن کریم. حمزه نژاد و عبدالحمید نقره‌کار، مجله باغ نظر، شماره ۱۶، ۱۳۹۰ ش.
- «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی»، یوسف اباذری و حسن چاوشیان، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، ۱۳۸۱ ش.
- الاستذکار، یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- الاشعّیّات، محمد بن محمد اشعث کوفی، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.
- الاکتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله (ص) و الثلاثة الخلفاء، سلیمان بن موسی حمیری کلاعی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
- الطبقات الکبری، محمد ابن سعد، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴ ش.
- الفتوح، احمد بن علی ابن اعثم کوفی، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
- الأنوار البهیة فی تواریخ الحجج الالهیه، عباس قمی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- بحار الأنوار، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- البدایة و النهایة، اسماعیل بن عمر ابن کثیر، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- «بررسی رابطه امنیت اجتماعی و سبک زندگی (تحقیقی در شهر تهران)»، منیژه نویدنیا، مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، شماره ۴۱، ۱۳۹۳ ش.
- «بررسی علل ظهور روایات مذمت حضور اجتماعی زنان»، معصومه ربیعان، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی، ۱۳۹۶ ش.
- «بررسی و الگوشناسی مکان‌یابی مساجد عصر نبوی در مدینه»، محمدرضا عطایی همدانی، مهدی
- حمزه نژاد و عبدالحمید نقره‌کار، مجله باغ نظر، شماره ۱۶، ۱۳۹۰ ش.
- «تأثیر تصحیف و ادراج در معنای متن روایات»، معصومه ربیعان، مجله علوم حدیث، سال ۲۵، شماره ۴، ۱۳۹۹ ش.
- تاریخ سیاسی اسلام (از آغاز تا انقراض دولت اموی)، حسن ابراهیم حسن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۵۶ ش.
- «تبیین علل تفاوت سبک زندگی اسلامی با سایر سبک‌های زندگی از دیدگاه قرآن کریم»، امید رسا و محمد فرهانی، مجله مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، شماره ۱، ۱۳۹۹ ش.
- تحلیلی از زندگانی امام رضا(ع)، محمدجواد فضل‌الله، ترجمه سید محمدصادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ ش.
- تفسیر نور الثقلین، عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق.
- تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حرعاملی، قم، مؤسسه آل‌البیت(ع) لإحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
- تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۸ ش.
- الجامع لأحکام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
- حجاب شرعی در عصر پیامبر، امیر ترکاشوند، نشر اینترنتی، ۱۳۹۶ ش.
- الخصال، محمد بن علی ابن بابویه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
- دیباجه‌ای بر تاریخ فلسفه نشر اسلام، ابوالفضل عزتی، قم، دارالتبلیغ الإسلامی، بی تا.
- الذریة الطاهرة النبویة، محمد بن احمد دولابی،





- کویت، دارالسلفیه، ۱۴۰۷ق.
- ذکرى الشيعة فى احكام الشريعة، محمد بن مكى شهيد اول، قم، مؤسسه آل بيت(ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۹ق.
- روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن، حسين بن على ابوالفتوح رازى، مشهد، بنياد پژوهش‌هاى اسلامى آستان قدس رضوى، ۱۳۷۱ش.
- روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، محمدتقى بن مقصودعلى مجلسى، تهران، بنياد فرهنگ اسلامى كوشانپور، بى تا.
- «سبک زندگی اشرافی در روایات امام على(ع) و پیامدهای تمدنی آن»، جميله شكرى و ثريا قطبى، مجله مطالعات بنيادین تمدن نوین اسلامى، دوره ۴، شماره ۲، ۱۴۰۰ش.
- سنن الترمذى، محمد بن عيسى ترمذى، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۳ق.
- سنن الدارمى، عبدالله بن عبدالرحمن دارمى، دمشق، مطبعة الاعتدال، ۱۳۴۹ق.
- السنن الكبرى، احمد بن حسين بيهقى، بيروت، دارالفكر، بى تا.
- السيرة الحلبية، على بن ابراهيم حلبى، بيروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۰ق.
- شرح السير الكبير، محمد بن حسن شيبانى، مطبعة مصر، ۱۹۶۰م.
- شرح نهج البلاغه، عبدالحميد بن هبة الله ابن ابى الحديد، قم، مؤسسه اسماعيليان، ۱۹۵۹م.
- شعب الإيمان، احمد بن حسين بيهقى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۰ق.
- صحيح ابن حبان، محمد ابن حبان، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ق.
- صحيح البخارى، محمد بن اسماعيل بخارى، قاهره، لجنة إحياء كتب السنة، ۱۴۱۰ق.
- صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابورى، قاهره، دارالحديث، ۱۴۱۲ق.
- على معيار كمال، رجبعلى مظلومى، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ش.
- عون المعبود شرح سنن ابى داود، محمد شمس الحق عظيم آبادى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.
- عيون اخبار الرضا، محمد بن على ابن بابويه، بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
- فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية و الافتاء، احمد بن عبدالرزاق دويش، بى جا، بى نا، بى تا.
- فقه الرضا، على بن بابويه، مشهد، المؤتمر العالمى للإمام الرضا(ع)، ۱۴۰۶ق.
- الكامل فى ضعفاء الرجال، عبدالله بن عدى جرجانى، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۹ق.
- كشاف القناع عن متن الإقناع، منصور بن يونس بهوتى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۸ق.
- كشف الخفاء و مزيل الالباس عما اشتهر من الاحاديث على السنة الناس، اسماعيل بن محمد عجلونى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۰۸ق.
- كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال، على بن حسام الدين متقى هندى، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
- لسان العرب، محمد بن مكرم ابن منظور، بيروت، دارالفكر؛ دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- لغت نامه دهخدا، على اكبر دهخدا، در: پایگاه واژه یاب: vajehyab.com
- المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین، محمد ابن حبان، مکه، دارالباز، بى تا.
- مدينة شناسى، سيد محمدباقر نجفى، تهران، مشعر، بى تا.
- المستدرک على الصحيحين، محمد بن عبدالله حاکم نيشابورى، بيروت، دارالمعرفة، بى تا.
- مسند الإمام احمد بن حنبل، احمد بن محمد ابن حنبل، بيروت، دارصادر، بى تا.
- مسند اسحاق بن راهويه، اسحاق بن ابراهيم ابن راهويه، مدينه، مكتبة الايمان، ۱۴۱۲ق.

- مسند ابی داود الطیالسی، سلیمان بن داود طیالسی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- مسند عمر بن عبدالعزیز، محمد بن محمد باغندی، دمشق، مؤسسة علوم القرآن، ۱۴۰۴ق.
- المصنف، عبدالرزاق بن همام صنعانی، بی جا، بی تا، بی تا.
- المصنف، عبدالله بن محمد ابن ابی شیبہ، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- المعجم الأوسط، سلیمان بن احمد طبرانی، قاهره، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
- المعجم الكبير، سلیمان بن احمد طبرانی، بیروت، دارإحياء التراث العربی، بی تا.
- «معماری مساجد و ابنیه در عصر پیامبر(ص)»، اصغر قائدان، مجله میقات حج، شماره ۵۹، ۱۳۸۶ش.
- المغنی، عبدالله بن احمد ابن قدامه، بیروت، دارالکتاب العربی، بی تا.
- «مفهوم سبک زندگی در علوم اجتماعی»، محمدسعید مهدوی کنی، مجله تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۱، ۱۳۸۶ش.
- من لا یحضره الفقیه. محمد بن علی ابن بابویه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی ابن شهر آشوب، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۷۶ق.
- موارد الظمان، علی بن ابی بکر هیشمی، قاهره، دارالثقافة العربیة، ۱۴۱۱ق.
- موسوعة کلمات الإمام الحسین(ع)، جمعی از پژوهشگران پژوهشکده باقرالعلوم، ترجمه علی مؤیدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ش.
- «موقعیت اقتصادی مدینه در دوران جاهلیت»، غلامحسین محرمی، مجله میقات حج، شماره ۲۴، ۱۳۷۷ش.
- الوافیة فی أصول الفقه، عبدالله بن محمد فاضل تونی، قم، مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۱۲ق.
- فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)، سید محمود هاشمی شاهرودی، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع)، ۱۳۸۷ش.
- Cambridge English online Dictionary 2022.
- Longman online Dictionary English/LDOCE 2022.
- Merriam Webster online Dictionary 2022.
- Oxford Advanced online learner's Dictionary 2022.

